

انگلینڈ

سال ۱۹۵۷ء

۱۹۵۷ء



اَهْنَاءُ بَيْتِ بَدِيع

نشریه جوانان بهائی طهران

مقالات بتصویب لجنه ملی نشریات امری میرسد

هرماه بهائی يك شماره منتشر میشود

وجها نترک سا لیانسه

برای طهران ۱۶۰ ریال

برای ولایات ۱۴۰ ریال

سال ششم

شهرالعرزّه ۱۰۸

شماره هشتم

فهرست مندرجات :

۱۴۲	صفحه	۱ - لوح مبارک حضرت عبد البها
۱۴۳	"	۲ - خطابات قلم اعلی
۱۴۷	"	۳ - صفحه ای از " مکاتیب " مبارک
۱۴۸	"	۴ - فارسی و عربی
۱۵۲	"	۵ - شعر (مزه دارک)
۱۵۳	"	۶ - متن مصاحبه نماینده هیئت تحریریه اهنک بدیع با نمایندگان ششمین انجمن شور روحانی ملی جوانان بهائی ایران
۱۵۶	"	۷ - آغاز يك حیات روحانی
۱۵۷	"	۸ - وحدت عالم انسانی
۱۶۰	"	۹ - اهنک بدیع و خوانندگان

شرح عکسها - روزی، جلد - ششمین انجمن شور روحانی ملی جوانان بهائی ایران که از اول تاجهارم -

شهریور ماه سال جاری در طهران تشکیل شد .

است.

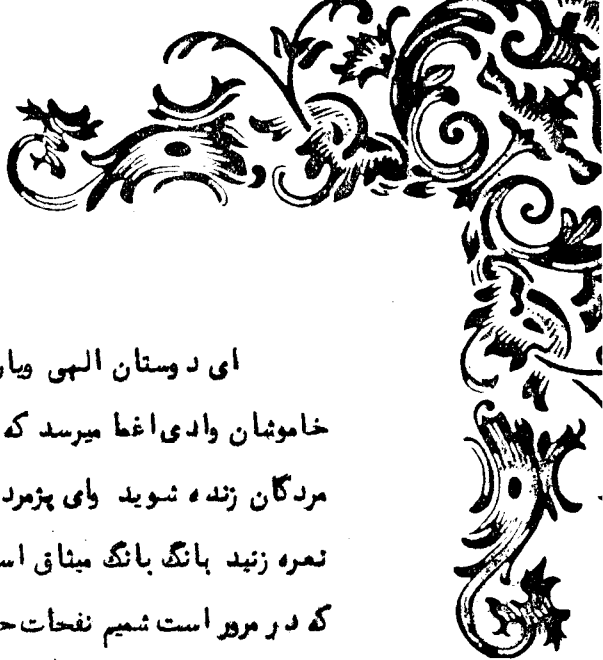
۱ - مدرسه تابستانه بهائی در اسلینگن المان که در تابستان ۱۹۵۱ تشکیل شده

۲ - جشن جوانان بهائی حسین آباد یزد در سال ۱۰۸ بدیع

شماره مسلسل ۱۰۳

شهریور هرماه ۱۳۳۰

ادرس مکاتبات - طهران شرکت سهامی نونهالان - ایرج متحدين
" مراجعات " حظیرة القدس ملی - دفتر مجله آهنگ بدیع



هوالله

ای دوستان الهی واران معنوی صلاهی الهی است که از ملکوت غیب ابهی بسر
خاموشان وادی اغط میرسد که ای خفتگان بیدار گردید و ای مخموران هوشیار شوید ای
مردگان زنده شوید و ای پز مردگان تروتازه گردید و ای ساکنان ناطق شوید ای عامنان
نمره زنید بانگ میناق است و اشراق فیض الطاف نیر افاق نسیم ریاض احدیت است
که در مرور است نسیم نفحات حدائق موهبتاست که در سطوع است نسیم عنایت جمال -
قدم است که روشن در هزارنجم است و فیض سحاب رحمت است که طراوت بخش هر گسزار
و چمن است ایتتوحید است که منطوق کتاب مجید است و صحائف رب فرید است که
ناطق با سرار بل هم فی لبس من خلق جدید است گموش یگشائید تا بانگ سرور بشنوید
و چشم باز کنید تا ماشا هده انوار نمائید لطف حق عمیم است و فضل قد بعش مستدیم کوش
همه انوار دورش همه انار مایوس نگردید نوید مشهد روز امید است و قرن خداوند مجید
نشاء اولی است و قرن جمال ابهی روحی لعتمته المقدسه القدا در هر فلکی نورش با هیر
و در هر افاق نیضش ظاهر صیت بزرگوارش شرق و غرب گرفته و با زه خداوند پیش جنوب و شمال
احاطه نموده و لوله در ارگان عالم انداخته و زلزله در اعضا عالم افکنده عالم از این تجلیسی
در گفتگو و جمیع ملل در جستجو شعله ناموقده در کل جهات بعنان اسنان رسیده همه
در جوش و خروش و سرمست باده هوش شما که از منبت سدره مبارکه اید و وطن حضرت مقدسه
چرا باید خاموش نشینید و گوشه بگیرید باید چنان برافروزید که حرارت غار شط و لایسلی
مجاوره را مشتمل نماید و نفحات حدائق قلوب شما مشام ملاه اعلی را معطر نماید سیسل
فیض ازان دشت و کوهسار بر افاق جاری گردد و وانهار عرفان ازان مدینه ساری بر صحرا
شود حی علی النجاح حی علی الفلاح حی علی الفضل العظیم حی علی النور
المبین حی علی الفوز الجلیل حی علی النصیب الوفیر والبهاء علیکم اجمعین

خطابات قلم اعلى

***** (محمد على فيضى) *****

دانشمند معظم جناب محمد على فيضى عليه بها اللہ الابهى
 اخيرا رساله نقيسى تحت عنوان "خطابات قلم اعلى" در شان نزول
 الواح ملوك و ترجمه احوال يكايك سلاطينى كه مورد خطاب جمال قدم
 جل ذكره الاعظم قرار گرفته اند تنظيم و باين هيات ارسال فرموده اند
 كه از اين شماره ببعده زينت بخش اوراى اين مجله ميگردد .
 اميد واريم كه خوانندگان بهره شايان از مطالعه ان ببرند و احيانا
 نظير اين مطالب مهمه تاريخيه جهت درج در مجله ارسال فرمايند .
 (هيات تحريريه آهنگ بديع)



خطابات مهمينه حضرت بها اللہ بعنوان
 سلاطين و امراء و رؤساي ممالك ازمهمترين ائمار
 مباركه است كه در ايام توقف در اسلامبول و در نرسه
 و سجن عكا يعنى همان روزگارى كه امين نازنين ^{الهي} مورد
 انكار و اعتراض شديد مظاهر قدرت و سطوت قرار گرفته
 و انحضرت را باشد با لايها و مصائب مبتلا و در اخر بـ بلا
 محصور و محبوس داشته بودند از قلم معجز شيمش
 نازل گرديده و نبوات مندرجه در آنها بعضى در حيات
 خود انحضرت و برخى بانديك زمانى پس از صعود سه
 تحقق يافت و در ردیف بزرگترین علامت عظمت و دلائل
 قدرت ان هيكل مكرم قرار گرفت . اين اثار عظيمه

الواحى است كه يا مستقيما خطاب بسلاطين و امراء
 ممالك و رؤساي اديان مرقوم گشته و يا در ضمن خطابات
 عمومى ان نفوس مقتدره را بقبول امر الهى دعوت
 فرمودند و با بياناتى موكد و صريح نصايحى بـ سراى
 تمثيت امور ملك و ملت و رعایت حال رعيت و ترك استبداد
 و خود سرى فرموده و همه را انداز و تخويف نمودند كه
 هرگاه با اين پيام اسمانى كه موعود جميع اديان و مذكور
 در تمام كتب و صحف مقدسه است توجهى نكرده و التفاتى
 ننمايند مسئوليت شديدى در انگيرانان كه زمام ملت در
 كف اقتدارشان است گشته و عواقب شومى در انتظارشان
 خواهد بود از ان جمله در رساله سورة الملوك نمسمن

خطابات عمومی بسلاطین و روسای ارض بیانات
 نصیحه و اندازار امیز نازل و انهارا از جنگ و خونریزی
 و کثرت عساکر و زیاده روی در صرف اموال و تحمیل بر
 رعایا جهت تجهیزات جنگی و هوس جهانگیری تحذیر
 و به پیروی از اصول صلح و سلام امر نموده چنین فرمود
 " اتقوا الله یا ایها الملوك ولا تتجاوزوا عن حدود الله
 ثم اتبعوا بما امرتم به فی الكتاب ولا تكونن من المتجاوزین
 ایاکم ان لا تظلموا علی احد قدر خردل و اسلكوا
 سبیل العدل و انهل سبیل مستقیم ثم اصلحوا ذات بینکم
 و قتلوا فی العساکر لیل مصارفکم و تكونن من المسترین
 و ان ترتفعوا الا اخلاف بینکم لن تحتاجوا الی کسرة
 الجیوش الاعلی قدر الذی تحرسون بها بلدانکم
 و معالکم اتقوا الله ولا تسرفوا فی شق و لا تكونن من
 المسرفین " و نیز فرمودند که هرگاه بنصائح الهیه
 اعتنا نمایند عذاب الهی از جمیع جهات انهارا احاطه
 خواهد نمود قوله الاعلی " و ان لن تستنصحوا بما
 انصحناکم فی هذا الكتاب بلسان بدع مبین یاخذکم
 العذاب من کل الجهات و یتیکم الله به دلسه اذا
 تقدرون ان تقرموا معه و تكونن من العاجزین " و نیز
 علما و روسای ادیان و مذاهب متنوعه و سفراء دول
 خارجه و مامورین ایران و عثمانی را مورد خطاب خویش
 قرار داده کلماتی چند بر سبیل نصیحت و دلالت
 بخیر فرمودند و همچنین در کتاب مستطاب اقدس
 خطابات عتاب امیزی بشهر اسلامبول پایتخت
 امپراطوری و مرکز خلافت و ساکنین آن و سایر اهالی

سال ششم
 حوزه امپراطوری فرموده و از حوادث ناگوار اتیه انها
 را متذکره و آگاه فرمودند و بیانی مهیمن با امپراطور المان
 که بواسطه غلبه بر اتریش و فرانسه بقدرت کامل رسیده
 و مست باد و کبر و غرور شده بود فرموده و مآل اسف
 اشتغال ان ملک و ملت را عریضه پیشگویی و نبوت فرمودند
 و نیز باد شاه اتریش را بواسطه عدم توجه بمظهر امر
 الهی هنگام عزیمت به فلسطین و زیارت بیت المقدس
 مورد سرزنش و ملامت قرار دادند و روسای جمهور امریکا
 را با استماع نداحق و رعایت عدالت در امور مملکت دار
 متنبه و متذکر داشتند .

درباره اهمیت این الواح و خطابات مبارکه و ثانی
 ان در عالم اتفاق و انفس طی بیانی که در لوح خطاب
 به نبیل مندرج در صفحه ۲۶۶ کتاب اقتدارات نازل
 گشته چنین میفرمایند : " این ایام بعد از ورود بسجن اعظم
 اراده الهیه بان تعلق یافته که جمیع بریه را بشاطی
 احدیه مجددا با علی النداء ندا فرماید لذا مخصوص
 هر نفسی از روسای ارض لوحی مخصوص از سما مشیت
 نازل و هر که ام باسی موسم الاول بالصیحه و الثانی
 بالقارعه و الثالث بالحاقه و الرابع بالساهره و الخامس
 بالطامه و كذلك بالصاخه و الازفه و الفزع الاکبر و الصور
 و الناقور و امثالها تاجمیع اهل ارض یقین نمایند و ببصر
 ظاهر و باطن مشاهده کنند که مالک اسما در هر حال
 غالب بر کل بود و خواهد بود بلا یا و محن سلطان سیر
 و علن را از اظهار امر منختم نمود و نخواهد نمود لعمرك
 فی بحبوحه البلاء من افق السجن اظهر نالوجه -

مشرقاً بین العالمین ودعونا الکل الی الله المقتدر۔
 العزیز الحکیم ولیکن بعد از اشراق این امور محتوی از
 افق امر مالک بریه جمیع در صد د افتاده اند و لیهائون
 در راه ربك ان هم الافی تبار و امر بغایت شدید مسدود
 بشا نیکه از ذکر و بیان خارج از مایظهر من سلطان القدم
 قصد و فعل ام معلوم میشود دیگر احتیاج ذکر نیست
 از اول ابداع تا حال چنین تبلیغی جهره واقع نشده"
 حضرت عبد البهاء ارواحنا لرمسه الاظهر فدا در لوحی
 خطاب باقا میرزا قابل اباد های میفرمایند :

"انذارات جمال مبارك بملوك ارض بنهائیت صراحت
 بدون تأویل و احتیاج تفسیر در اثبات قوه قدسیه ماوراء
 الطبیعه برهان کافی وافی است سور ملوک را مطالع
 نمائید و خطابه های شدید را وقت کنید و انذارات
 عظیمه را ملاحظه نمائید و خطاب یا ایها النقاد الواعظ
 بین البحرین را تمعن فرمائید و خطاب به ناهران را
 نیز اندک ملاحظه کنید و خطاب بسواحل نهرین را از
 نظر بگذرانید و تطبیق بوقوعات حاصله کنید که جمیع
 این انذارات در مدتی قلیله یافت ایا بادراک بذکاء
 طبیعی کشف این وقوعات مهمه در اندک زمان بیایی
 ممکن است و تحقق این وقوعات در ایام قلیله تصور میشود
 لا والله مگر آنکه بقوه طبع مقتدر تحقق یابد و کلمه
 نافذ ما اثر مجسری کند و از پیش خبر دهد."

و نیز در سفرنامه ارویا صفحه ۱۹۵ از بیانات شفاهی
 حضرت عبد البهاء مذکور است : "نطق مبارک از
 خطابات قلم اعلی راجع بامور اتیه بود از جمله اینکه

سعال ششم
 حضرت مسیح چون به بیت المقدس داخل شدند فرمودند
 هر اینه بشما میگویم که از این بیعد سنگی بالای سنگی
 نخواهد ایستاد پس از چهل سال که طیطوس بیست
 المقدس را فتح نمود مسیحیان شرح و تفسیر نوشتند
 و این خبر را برای رازحاطه علمیه و خوارق عادات
 شمرند و همچنین درید و اسلام چون ملت فرس بر
 دولت روم غالب شد منکرین اسلام استهزا و تمسخر
 میکردند زیرا فارسیان را غیر اهل کتاب و ملت روم را اهل
 کتاب میدانستند لهذا میگفتند اگر اهل کتاب را بر
 سایرین تقدم و فضیلتی بود چگونه روم مغلوب ملتی
 مانند فارسیان میشد ان بود که ایصبار که الم غلبت بر
 الروم وهم من بعد غلبهم سیغلبون نازل شد که هر چند
 روم مغلوب شد ولی عنقریب بزودی غالب خواهد گردید
 بعد چگون روم غلبه نمود علمای اسلام در جمیع تفاسیر
 این قضیه را اعظم برهان و خارق عادات شمرند اما
 در این ظهور این گونه آیات و بینات را انکار مینمایند و
 بهیچ وجه متذکر نمیشوند چقدر بی انصافی است بچه
 صراحت بر بیرون رفتن ارض سر (ادرنه) از دست
 سلطان عثمانی در ایات قلم اعلی نازل شد و همچنین
 خطابات بسایر ملوک و انقلاب طهران و لکن غافلان را امر
 نبخشید و من در امریکا گفتم که منتظر خبر خوشتر از ان
 شطرنمایید "

همچنین در لوح خطاب با حبابی امریک میفرمایند :
 "باری حضرت بهاء الله نصدت سال پیش مانند افتا
 از افق ایران دلوع نمود و اعلان فرمود که افق عالم تاریک

است و این تاریکی نتایج وخیمه بخشد و دروبات شدید
 وقوع یابد در زندان عکا با پیراطور المان صریحاً خطاب
 میفرماید که حرب شدید واقع خواهد شد و برلین ناله
 وحنین خواهد نمود و همچنین بیاد شاه ترک در حالیکه
 مظلوم بود و اسیر زندان او یعنی مسجون در قلعه
 عکا بود صراحتاً مرقم فرمود که اسلامبول با انقلابی
 عظیم گرفتار خواهد گشت بدرجه بی که اطفال و نسائ
 بفریاد و فغان خواهند افتاد و خلاصه جمیع پادشاهان
 و رؤسای جمهور مرقم فرمود و عیناً واقع گشت و تعالی
 بجهت منع حرب از قلم اعلی صادر شد و در جمیع افاق -
 منتشر گشت "

اینها که باد بوج مدالب فوق در بارها اهمیت و عظمت
 الواح و آیات خطاب بسلاطین و رؤساکه زقطره نی
 ازان دریای بی کران و غیر از حرفی ازان کتاب مبیین
 بشمار نمیرود مقدمه این رساله پایان یافت ذکر چند
 فرد از ابیات حضرت نعیم که در این باره سروده در رو
 لثالی معانی راسته است مناسب مقام دانسته بمعرفی
 مخادابین الواح مبارکه مزبوره و شرح حال هر یک تا
 اندازه که ارتباط با موضوع دارد و بیگونگی نزول الواح
 و تحقق مواعید و انذارات مندرجه در متون انخطابات
 متعالیه میبرد ازیم .

حضرت نعیم علیه رضوان الله میفرماید :

سدا و تعالم اقتدارم	حضرتش را از ما زنداشت
بسلاطین ببین چگونگی	با سلاطین گری گونه گنا
خار و خاشاک فکرت خود هر	مانعیل امر حق پنداشت

هر کسی دم پاین چراغ دمید خاک در چشم خویشتن
 سلاطین و رؤسائی که در الواح مبارکه مورد خطاب
 قرار گرفته اند عبارتند از : ناپلئون سوم پادشاه
 فرانسه . سلطان عبدالعزیز پادشاه عثمانی و عالی
 باشا صدراعظم ان مملکت . ناصرالدین شاه پادشاه
 ایران . ولپلم اول پادشاه المان . الکساندر دم
 امپراتور روسیه . ملکه ویکتوریا امپراتورس انگلستان
 فرانسوا ژرف امپراتور ادریشره . پی نهم پاپ اعظم
 رئیس مذهب کاتولیک .

 * " اساس دین الله اکتساب کمالات است و - *
 * استفاضه از فیوضات مقصد از ایمان و ایقان *
 * تزئین حقائق انسانی بفیض کمالات ربانی است *
 * اگر این حصول نیابد حقیقت حرمان است و *
 * عذاب نیران *
 * (حضرت عبدالبها) *
 * " معرفت مظهر ظمیر اگر نمر و نتیجه اثر - *
 * حسن سلوک و تزکیه اخلاق نباشد از نفوذ و تاثیر *
 * محرم و نزد اهل دانش و ارباب بصیرت قابیل *
 * اعتناء نبوده نیست چه که این معرفت معرفت *
 * حقیقی نه بلکه صرف توهم و تقلید است *
 * (حضرت ولی امرالله) *
 * *****

صفحه‌ای از "مکاتیب" مبارک

 (مستخرج از "مکاتیب" مبارک جلد سوم) *****

"... و از جمله قضایای عجیبه که
 واقع گشته این است که مشرق الاذکار در قطب
 امریک بنیان میگردد و بعضی نفوس از اطراف اعانین آن
 معبد رحمانی میفرستند . از جمله خانم محترمی
 در منچستر قریب لندن باعانه برخاست ولی از مال
 دنیا چیزی نداشت . چون اعانه مالی نتوانست موی
 لطیف ظریفی داشت که در نهایت طراوت زینت روی او
 بود و شمائل تزیین میداد موی بلند مشکبوی خود را -
 بدست خود مقراض نمود و مژد داد تا فروخته گردد و
 قیمت آن اعانه مشرق الاذکار شود . ملاحظه کن که در -
 نزد نساء عزیز ترازموی با طراوت و لطافت نه آن محترمه
 فی الحقیقه بتمام جانفشانی قیام نمود . هر چند این
 عمل سزاوار نه و بعد البهائم ابدان راضی نبود ولی
 چون دلالت بر نهایت جانفشانی مینمود . لهذا بسیار
 متأثر شد . و در نزد خانمهای غرب و امریک گیسوس بسیار
 عزیز است . یعنی از جان عزیز تراست . انرا
 فدای مشرق الاذکار نمود .

هزار شتر با بار گندم تقدیم نمود
 یکی نصف مال خویشرا تقدیم کرد یکی جمیع
 اموالشرا اعانه نمود و علی هذا القیاس . ولی
 پیره زنی مقداری خرما داشت و جزان خرما چیسزی
 نداشت انرا آورد و اعانه تقدیم نمود . حضرت رسول
 روحی له الفداء فرمود این خرمای جزئی را بالای
 جمیع اعانات بنهند تا بر جمیع اعانات
 تفوق یابد . این نظر بان بود که آن پیره زن جز
 آن خرمای قلیل چیزی مالک نبود . حال ایسن
 خانم محترمه متاعی جز موی مشکبوی نداشت انرا
 در سبیل مشرق الاذکار فدا نمود . ملاحظه کنید
 که امرالله بجه درجه قوت یافته که خانمی فرنگی
 گیس خویشرا فدای مشرق الاذکار می نماید .
 ان فی ذلك لعبرة لاولی الالباب"

حکایت کنند که در زمان حضرة رسول اراده مبارک -
 تعلق گرفت که لشکری بسمتی توجه نماید . دادن -
 اعانه از برای این جهاد با حبابه تکلیف شد . یکی

 " بعد از عرفان مشرق وحی دو امر لازم یکی استقامت
 و دیگری اتباع او امرالله که در کتاب نازل شده طوبی
 للفائزین "
 (حضرت: بها اللسه)

بقیه از شماره قبل

خلاصه زبان عربی در فنون مختلفه علمی و ادبی ایران چنان نفوذ و نلبه دارد که امروزه شخصی کسه از زبان عربی عاری باشد خود را در شمار نفوس قلیل الاطلاع نیز نمیتواند محسوب دارد تا چه رسد بانانی کسه بخواهند ذخائر ادبی این کشور کهنسال که ادبیات آن زبانزد اقوام سائره است و چه بسا نفوس مهمه که برای کسب آن ذخائر شتر حال مینمایند استفاده نماید .

و با سبب دیگری که جوانان بهائی را بتحصیل این زبان مامور و مجبور مینماید آنست که الواح مهمه الهیه در این کور اعظم بزبان عربی است و ایرانیان که در مهد امرالله توطن داشته و فعلا حامل این ذخائر عظیمه الهیه میباشند چقدر موجب تاسف است که خود بواسطه عدم اطلاع از زبان عربی از درک حقائق الهیه محروم مانند و گنج در استین و کیسه تهی باشند .

جوانان عزیز بخوبی میدانند که آنچه که باید جهات را منقلب نماید و نظام پدیدعی که باید بساط دنیای کهن را پیچیده و وساطی از نو بگسترانند مستور و مخزون در متون الواحی است که حال احبای الهی علی الخصوص در کشور مقدس ایران حامل اند و آنها هستند که باید

این ذخائر را هر یک بنام و نشان تحویل جهانیان دهند و چگونه نایسته است که خود از حال مخزن خوشتر غیر مطلع مانند این است که در الواح الهیه بنحو اکید برای تحصیل زبان عربی تصریح شده اهمیت این لغت فصیحی که نایستگی آن دارد که وقتی زبان عمومی قرار گیرد مکررا بیان گردیده حضرت اعلی روح الوجود لرنجات دمه الفدا در لوحی میفرماید :

"فلنعملن ذریاتکم علم اللوحیم الصریف تم حکمة البیان ان انتم تحبون عز العلم تد رکون جمال قدم -

جل اسمه الاعظم در لوحی در بار ماهیت این زبان میفرماید قوله تعالی " انچه لدی العرش محبوب انست که مع بلغت عربی تکلم نمایند چه که بسط از کل لغات است اگر کسی به بسط و وسعت این لغت فصیحی مطلع شود البته انرا اختیار نماید لسان پارسی بسیار ملیحست و لسان الله در این ظهور بلسان عربی و فارسی هردو تکلم نموده و لکن بسط عربی را ندانسته و ندارد بلکه جمیع لغات ارض نسبت به او محدود بود و خواهد بود و این مقام افضلیت است که ذکر شد و لکن مقصود آنکه لغتی از لغات را اهل ارض اختیار نمایند و عمم خلق بان تکلم کنند و در لوح (جناب اتاسیوس) ابوالفضل

علیه بها^۱ الله (۱) نازل : " درحالات لسان فارسی شك و شبهه ای نبوده و لکن بسط عربی را نداشتند و ندارد بسیار چیزهاست که در فارسی تعبیر از آن نشده یعنی لفظی که مدل بر او باشد وضع نشده - و لکن از برای هرثنی در لسان عربی اسما^۲ متعدده وضع شده (۲) هیچ لسانی در ارض بسوسعت و بسط عربی نبوده و نیست و این کلمه از روی انصاف و حقیقت ذکر شد " حضرت عبدالبها^۳ جل ذکره در لوح میرزا عبدالحسین معلم میفرماید قوله الاحلی : " اطفال را تعلیم فارسی و عربی و لسانی از لسان اجنبی لازم یعنی لسانی که خود یا ابا^۴ اختیار نمایند " در الواح دیگر : حضرت بدین موضع تاکید شده و حتی گاهی : اجبای غرب را با آنکه تحصیل زبان عربی برای آنها مشکل تر از ملت ایرانست بتعلم این لسان مامور میفرمایند و حضرت ولی امر الله ارواحنا فداه نیز مکرر دستور - تحصیل این زبان را صادر فرموده اند که در صفحات

(۱) - سید ابوالفضل مقصد میرزا ابوالفضل گلپایگانی است که او را به شرف (سید) در این لوح مشرف - فرموده اند .

(۲) - وصف ^{مطلبیرون} هذه اللغة بانها کثیرة الکلمات - " ... علی معنی واحد فمن ذلك البعیر له نحو الف اسم وللاسد نحو خمسه و هكذا وقد اغفل العکس از آنکه کثیرا ایضا ما توجده لفظة واحدة تترادف علیها عدة معانی مختلفه کما فی المقالة الثانیة والثلاثین للحریری السماة بالحریب والقصیدة الخالیة للمعلم

گذشته بیکی از آنها اشاره شد . امروزه بعضی از جوانان بهائی بعلت تاثیر از - تاثیرات محیط مدارس کمتری با اهمیت این موضوع برده اند لذا در موقع مطالعه انار و الواح حتی در جلسات عمومی با غلط فاحشه تفوه مینمایند و چه بسا - که از معنی حقیقی بواسطه انحراف از تلفظ صحیح انصاف^۵ میجویند چه که اعراب و حرکات در زبان عربی مقامی بس عظیم دارند و چه بسا که با تغییر یک حرکت معنی مخالف ظاهر شده و یا جمله از مقام افاده معنی ساقط میشود فی المثل اگر کسی لفظ (فنا^۶) را که بکسر اول در صلوة کبیر وارد شده بفتح اول بخواند در اول - استان الهی را بعلو ستوده و در ثانی نعوذ بالله به فنا و نابودی باب الهی تفوه نموده از اینگونه الفاظ زیاد^۷ علاوه بر الفاظی که در معنی چندان تفاوتی رخ نمید که هر چند در فارسی غلط مشهور بوده بضمون (الغلط المشهور خیر من الصحیح المجهور) مانعی ندارد ولی در عربی باید صحیح خوانند مانند هجر (بفتح اول) که غالباً آنرا هجر (بکسر اول) - میخوانند (۳) و عکس آنست کلمه عطر - و زبان عربی از این لحاظ اگر جز^۸ محاسن آن بشمار آید و یاد رشعار معایش محسوب شود از اکثر زبانهای دیگر مستثنی است این است که در باره صرف و نحو و لغت عربی کتب

بطرس (زبدة الصحائف صفحہ ۱۰۳)

(۳) - المنجد وقاموس اللغة فیروزیادی

کثیره در قرون مختلفه تحریر یافته

در صدر اسلام زبان عربی در عربستان بد و لهجه -
تکلم میشد یکی لغت قریش که زبان مردم مکه و اطراف -
ان بود دیگر لغت حمیر که در یمن مصطلح بود و بعد
بواسطه نزول قرآن بلغت قریش این لسان غلبه یافت
و بعد چون مردم عجم که بمل غیر عرب اطلاق میشد
بواسطه عدم آشنائی به اعراب و حرکات غالباً با غلاط -
فاحشه تفوه میکردند لذا علی المشهور ابو الاسود د و علی
(متوفی - ۶۹ هجری) بد ستور حضرت امیر علیه السلام
اساس علم نحو را نهاد چنانکه میگویند روزی حضرت
ملا حظه فرمودند قاری در ضمن قرائت آیه (ان الله
برینی من المشرکین ورسوله) کلمه رسول را بجسای
انکه منصوب تلاوت نماید مکسور قرائت مینمود و معنی
ان چنین میشد که خدا از مشرکین و رسول خود بیزار
است در حالیکه حقیقت معنی چنان بود که خدا و رسولش
از مشرکین بیزارند لذا فرمود انح یا ابوالاسود قال
ما النحو سپس حضرت دستوراتی کلی به او دادند و
بدین ترتیب علم نحو بوجود آمد حکایات مختلف دیگر
نیز درباره ایجاد این فکر در شخص مذکور که از تابعین
بود مانند مکالمه اش با دختر خود بر سر عبارت (ما
احسن السماء) ذکر کرده اند (۱)

بعضی از نفوس برای رهایی از این وظیفه حتمیه
بد وذر معذر میشوند یکی آنکه آیات الهی را اگر
ما صحیح نخوانیم و صحیح نفهیم ممکن است بدون -
تحصیل عربی از ترجمه ان که بواسطه اهل اطلاع شود
استفاده نمائیم ولی پیدا است که این امر مرضی الهی
نیست چه که آیات الهیه بعد از آنکه ترجمه شد دیگر
ان حلاوت و تاثیر اولیه خود را نداشته و همین واسطه

القاری علیه مدار المعانی و اختلاف المبانی
کافی نحو لا تاكل السمك و شرب اللبن فان رفع
تشریح يدل على النهی عن الاول باحسنة
الثانی و نصبه يدل على النهی عن الجمیع
بینهما دون انفراد کل منهما علی حدته و جزمه یسد
علی النهی عنهما جمیعا والواد علی الرفع لاستثاف
و علی النصب للصرف و علی الجزم للعطف فقد تلاعب
الاعراب بالمعانی و الالفاظ جمیعا كما تلاعب فی قولهم
ما احسن زیدا فان النصب يدل علی التعجب من
حسن زید و الرفع علی نفی الاحسان عنه و الخفض علی
الاستفهام عن احسن ما فیه فیکون ما علی الاول تعجبه
واحسن فعلا جامدا و علی الثانی نافیة
واحسن فعلا متصرفا و علی الثالث
استفهامیه و احسن اسم تفضیل (. . . .)

*

(۱) - قال العلامة المرحوم الشيخ ناصيف يازجى
فی احدی خطبه و نصه ان علم النحو هو من اجل علم
اللغة لا شتماله علی علی الاعراب الذی مود لیل

نیز از فحوای دستورات مبارکه معلوم است که اجازه به این امر داده نشده است حضرت عبدالبهاء در لوح مهربان رستم پارسی میفرماید قوله الاحلی "در - خصوص ترجمه آیات مبارکه سؤال نموده بودی - ترجمه باید در نهایت فصاحت و بلاغت باشد ولی هر قدر ترجمه فصیح و بلیغ باشد قیاس باصل نمیشود کرد زیرا آن الفاظ از فم مطهر صادر و این الفاظ از قلم بشر صادر فرقی بی انتها در میان ولی بجهت اینکه یاران پارسی بلسان عربی آشنا نیستند محضاً نکه رائحه ای از گلشن معانی بمشام آرند ترجمه جازز ولی باید نفوسی که در عربی و فارسی هر دو نهایت اطلاع و اختیار دارند و بقریحه سیاله ترجمه مینمایند بترجمه پردازند "حضرت ولی امرالله این تلویح را در توقیع منبع مبارک چنین تصریح مینمایند "راجع بنشر بعضی الواح و ادعیه مبارکه و اعراب آن این فقره مورد تصویب حضرتشان گردید و تأکید فرمودند این الواح مخصوص و ادعیه مبارکه را ترجمه مینمایند باصل اکتفا نمایند و آنرا انتشار دهند و در اعراب و تفهیم عبارات و کلمات آن الواح منیعه هم تبلیغ مبذول دارند"

و درباره ترجمه صلوة بفارسی میفرماید "در خصوص ترجمه مصلوة بهائی بالسن مختلفه فرمودند بنویس ترجمه بفارسی جاززه ولی بلذات دیگر ممکن"

بعضی دیگر تصور مینمایند که اگر نفوسی با قلب پاک توجه الی الله بتلاوت آیات بردارند اگر غلط هم بخوانند مانعی ندارد چنانچه در آثار حضرتعالی

و حضرت بهاء الله نیز گاهی رعایت تواعد قوم نگردید، باید دید که اگر چنین تصویری جائز باشد چرا جائز نیست که گفته شود که اصولاً لازم نیست الواح و آثار بخوانیم بلکه همان توجه الی الله تقویت است بعلاوه اگر این توجه خالصانه با اغلاط فاحشه در ساحت الهی مقبول باشد مخصوصاً ادعیه و صلوات است نه الواح و آیاتی که در جمیع عمومیه تلاوت میگردد بعلاوه آنکه در نصوص الهیه دستورات صریحه درباره صحیح خواندن مناجات و صلوة نازل حضرت عبدالبهاء در - لوحی میفرماید قوله الاحلی "تعلیم صلوة که صحیح بخوانند لازم است لهذا اعراب جازز بعلاوه مقصد از خواندن آیات درک معانی موده در آنست که با عدم اطلاع از زبان امکان نخواهد یافت قوله تعالی فی کتابه الاقدس "اقربوا الالواح لتعرفوا ما هو المقصود فی کتب الله العزیز الوهاب"

(بقیه در شماره آینده)

تصحیح و توضیح

۱- عکس روی جلد شماره ششم منشره ای از رونه مبارکه است و خوانندگان گرامی با آنکه در آمدنگ بدیع توضیح داده نشده البته خود توجه فرموده اند .

۲- مطلع شعر جناب نبیل زرنندی در شماره هفت در مصرع دوم بجای غرقه بود بیکر من "هیکل من" درج شده که بدینوسیله با عرضحه نسبت تصحیح میگردد .

هو اللله

ای سرگشته دشت و صحرا^ه محبت الله خوب سیاحت و سیرست گاهی مهمان
 در مدارس و اداری نیافتی و گاهی گوشه نشین صومعه و خانقاهی و بناهی نجستسی
 گاهی چون صهبای درخمانه مستوری پرده نشینی و گاهی چون گل سوری رسوای -
 کوی و بازار و با یار و اغیار همنشینی گهی در ظلمتکده زندان قرین مجرمینی و گهی
 در بارگاه معنایت و خوابگاه راحت سربالین برنیان هند و چین دی اسیر سلاسل و زنجیر
 وزمانی امیر کشور اسایش و راحت و نعمت بنظیری دیگر تماشا و سیری در این عالم فانی
 اعظم از این نه (مکاتیب مبارک)

مزه دارد

بپراهن گل سنبسسل بیچان مزه دارد	بزروی مهم زلف بریشان مزه دارد
جان بر لب و لب پر لب جانان مزه دارد	جانم بلب آمد چه شود یار در آید
دروش و پندیرانی سلطان مزه دارد	هی هی چه خیال و چه تمنای محال است
قرسانی این طایر بیچان مزه دارد	نبود غم ازگشته شدن بر سر کوشش
با هلله سنگ ازک طغسلان مزه دارد	دیوانه صفت بر سر هر راهگسذاری
سربسرا این بیسر و سامان مزه دارد	از سر زنتش خلق چه باک است سرازان
من رقص کنان جانب میدان مزه دارد	ضوضای عوام از بی و طبیل و دهل از بیبش
تالییدن در گوشه زندان مزه دارد	تن بسته و مجروح بزیر غل و زنجیر
کاین دلشده راطعن رقیبان مزه دارد	ایشیخ زمن بگذر و منعیم مکن از عشقی
در جان من ایسن آتش سوزان مزه دارد	بیپوده مکش رنج و مکن و عظمه پند
با ما سخن از شد شبساران مزه دارد	ما غرقه در سای فنائیم لقائی

(لقای کائناتی)



ترجمه تلخراف، منیع مبارک در جواب عریضه تلخرافی لجنه ملی جوانان
 "بانجمن شور جوانان اطمینان دهید برای توسعه اقدامات شایان تقدیر آنان از
 صمیم قلب دعا میکنم ."
 (شوقی)

متن مصاحبه نمایندگی هیئت تحریریه آهنگ بدیع
 با نمایندگان ششمین انجمن شور روحانی ملی
 جوانان بهائی ایران

انتخاب شد و مخصوصاً کیفیت تعمیم صرفه جوئی در
 بین جوانان برای این عهد بسیار جالب بود . " اما
 در مقابل این نظر د و تن از نمایندگان محترم^{دیگر} مهمتر
 تصمیمات کانونشن را مربوط بمساله ای دیگر میدانستند:
 نمایندگی محترم کرمان فرمودند "بعقیده بنده بهترین
 تصمیمات انجمن تصمیماتی بود که راجع بحفظ و حراست
 جوانان گرفته شد . اجرای این تصمیمات بهترین
 وسیله پیشرفت جامعه جوانان است . " نمایندگی محترم
 قزوین هم همین نظر را داشتند و فرمودند "مذاکرات^{تیگه}
 در باره حفظ و حراست جوانان و مسافرتها ای تشویقی
 بعمل آمد بیشتر مرا خوشحال کرد . " نمایندگی محترم
 همدان هم از توجه بیکه انجمن نسبت بوضع بد قرا و
 قصبات بعمل آورده اظهار خوشوقتی کردند .

از چند تن از نمایندگان محترم سؤال شد
 "از کدام يك از تصمیمات کانونشن بیشتر خوشنود و خوش
 حالید ؟ " در جواب این سؤال نمایندگی محترم
 ساری فرمودند " واضح است که انسان از انجام عملی
 بیشتر خوشحال میشود که بان بیشتر اندیشیده است .
 امروز جامعه بهائی در مقابل امری قرار گرفته که مورد
 نظر خاص مولای توانا حضرت ولی امرالله میباشد و ان
 ساختمان مقام مقدس اعلی است ، پس بالتبع مذاکرات
 و پیشنهادات و تعهدات تیگه در قبول این مشروع
 جلیل شده است مورد نظر خاص انجمن و اعضای ان
 بود ، و خواهد بود . " نمایندگی طهران هم همین
 نظر را داشتند و فرمودند " تصمیمات تیگه برای جمع آوری
 اعانه برای ساختمان رفیع البنیان مقام مقدس اعلی

سؤال دیگر این بود "جوانان طهران چه خدمتی برای جوانان ولایات و بخش‌های جوانان بهائی محل شما می‌توانند انجام دهند؟" در این مورد نماینده محترم شیراز نظرشان این بود که جوانان طهران می‌توانند بوسیله مهاجرت و مسافرت و اقامت در شهرستانها وسائل توسعه و پیشرفت تشکیلات آن نقاط را فراهم آورند. بنظر ایشان انجام این امر بسیار سهل است زیرا زندگی در ولایات بسیار آسانتر و کم خرجتر از طهران است و صاحبان اغلب مشاغل در شهرستانها امتیازاتی دارند که در طهران ندارند. نماینده محترم خراسان عقیده داشتند تشکیلات جوانان طهران نمونه و سرمشقی برای لجنات جوانان اطراف است لذا لازم است لجنه جوانان طهران صورت مشروعات و تاسیسات خود را با اطلاع جوانان ولایات برساند و در این زمینه راهنمایی و همکاریهای دیگر نیز بعمل آورد. ایشان نیز لزوم اعزام مشوق و معلم رابولایات یا داور شدند.

از امام‌الرحمن عضو انجمن سؤال شده "در نتیجه انجام نقشه چه ارساله امام‌الرحمن چه ترقیاتی نصیب جوانان محل شما شده است و خانمهای انسا ما تا چه حد برای انجام وظایف خطیر خود آماده اند؟" نماینده محترمه اراک که بهترین جواب را در این مورد لطف فرمودند بشارت دادند که این نقشه بیش از پیش بر عملیات خانمهای انسا مان افزوده و آنها را که قبلا هیچگونه مسئولیتی متوجه خود

نمیدانستند بوظایف خطیرشان آشنا ساخته است. سؤال دیگری که از چند تن اعضاء محترم انجمن بعمل آمد "شیرین‌ترین خاطره شما از این مسافرت چیست؟" در جواب این سؤال نماینده محترم کرمان فرمودند "شیرین‌ترین خاطره این عبد از این مسافرت کوتاه و سه‌ترین استفاده ای که کرده‌ام بدآور یقیسن زیارت فیلم رنگی مقام مقدس‌اعلی است زیرا تنها روزی در زندگی زیارت این مقام مقدس بود و حال که بسا زیارت آن فیلم بارزوی خود رسیده‌ام می‌توانم اطمینان دهم که اوقات این سفر و بالاخص هنگام تماشای فیلم بهترین ساعات عمر بنده بوده است." نماینده محترمه اراک در این مورد فرمودند "تمام این مسافرت برایم خاطرات شیرین دارد ولی شیرین‌ترین دقایق آن موقعی بود که تلگراف حیات بخش مولای جنسین حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه در جواب عرض من تلگرافی لجنه مجله ملی جوانان بگویم رسید." نماینده محترم رشت فرمودند "شیرین‌ترین خاطره ای که از این مسافرت دارم دو چیز است یکی دیدن فیلم رنگی مقام مقدس‌اعلی که ارزوی دیرینه ام بود و دیگری محبت و صمیمت‌های نمایندگان محترم جوانان نسبت باین عجد و سایر نمایندگان." نماینده محترم قزوین نیز شیرین‌ترین خاطره‌شان از این مسافرت اشنائی با عده ای از نمایندگان جوانان و طرز فکر آنها و استفاده ای که از آن برای حصول اتحاد و اتفاق کامل میتوان بعمل آورد بود. و اما نماینده محترمه کرمانشا

حتی در این مورد نیز شهرین ترین خاطره‌شان -
 "موضوع حفظ و حراست جوانان بود که در انجمن شور
 روحانی امسال مورد مذاکره قرار گرفت."

از چند تن از نمایندگان نیز سئوالی در مورد
 تشکیلات جوانان محل اقامت ایشان کردم. تعداد
 جوانان بهائی کرمانشاه ۶۰ نفر و تشکیلات لجنه
 عبارت از کمیسیونهای تزیید معلومات و تبلیغ و احتفالات
 جوانان و کلاسهای کتب مستطاب اقدس و ایقان و نظم
 اداری و مشق نطق است. زاهدان ۱۰ نفر و واحه
 بهائی دارد. لجنه جوانان همدان دارای چهار
 کمیسیون و تشکیلات ورزشی و مجمع جوانان است. تعداد
 جوانان بهائی یزد فعلاً بالغ بر ۲۰۰ نفر است و
 لجنه جوانان دارای کمیسیونهای احصائیه و معلومات
 امری و ارتباط و تبلیغ و غیره است و وظایف محوله
 حتی الامکان انجام میشود.

با بعضی نمایندگان محترم در خصوص هدف
 جامعه جوان نیز مذاکره بعمل آمد. نماینده محترم
 طهران با استناد قسمتی از توفیق منبع مبارک بافتخار
 لجنه ملی جوانان بهائی المان و اظریش که زب این
 صفحه درج میگردد. معتقد بودند اولین وظیفه تشکیلات -
 جوانان حفظ انان از دریای بیکران مادیت پرستی
 است که الیوم کره ارض را احاطه کرده است و اینست که
 قسمتی از آن توفیق مبارک: "..... مسئولیتی کسه
 متوجه ان اعضای محترم است البته سنگین و دقیق
 است علی الخصوص در این ایام که نظر جوانان در -

سراسر جهان کاملاً و با نهایت قوت متوجه شئوناتی
 است که اساساً مباین و مغایر روح و هدف انبیا الهی
 است. بنابراین وظیفه اعلیه شما انستکه با رعایت
 حکمت و علی الاتصال مواظب و مراقب جوانان باشید و -
 مانع شوید از اینکه مقهور جریان مادیت پرستی کنونی
 گردند. اعضای ان لجنه باید همواره سعی نمایند
 لزوم قدامی اجرای اصول و احکام انبیا الهی و پیروی
 از انرا توأم با ایمان و بصیرت و جوانان تفهیم و تاکید
 نمایند. وفای بامرالله را اعظم فرض و جدائی خود دانند
 و از صمیم دل و جان قوای خود را حصر در یافتن وسائل
 و طرقی نمایند که موجب نفوذ و انتشار سریعش در عقول
 و قلوب افراد بشر گردد.

نمایند. محترمه کاشان نیز همین نظر را داشتند
 و فرمودند "حفظ و حراست جوانان باید مورد نظر
 مدافع مقدسه روحانیه و لجنات مجلله جوانان باشد."
 بعد راجع به جوانان بهائی طهران و تشکیلات -
 انان و معاینی که نمایندگان محترم در این جامعه
 دیده اند و احتفالاتیکه در این چند روزه در آنها
 شرکت داشته اند سئوال کردم. همانطور که نمایند
 محترم بندر جرز فرمودند اغلب نمایندگان محترم هنگام
 اقامتشان در طهران فقط در جلسه ای که از طرف لجنه
 مجلله جوانان طهران بافتخار ایشان برپا شده بود و
 برای زیارت فیلم مقام مقدس اعلی حضور یافته بودند.
 تقریباً تمام نمایندگان محترم از ملاقات جوانان -
 بهائی طهران اظهار خوشوقتی و مسرت کردند و در
 (بقیه در صفحه ۱۵۹)

آغاز يك حیات روحانی

***** (يك نامه بقلم عليا حضرت ملاری ملكه روزنامه) *****

نکته واقف بوده اند که بذر حقیقی که در تعالیم مقدسه شان موجود و در قلوب نفوس افشاند شده بزودی - برگ و شتوفه خواهد داد و اثمار بدیعه ان در افاق و انفس ظاهر خواهد گردید لذا ستورا مبارکه خود را بانسهایت رافت و مهربانی بعالم انسانی تلقی - سن و تعلیم فرموده اند در این تعالیم مقدس يك حقیقت مشخصر موجود است و ان عشق و محبت است عشق است که منشأ و مبدأ هر قوه ای بوده سبب ایجاد الفت بین ملل عالم و موجود حسن تفاهم در جامعه ملل و وسیله شناسائی یکدیگر و بالاخره محرك روح تعاون و تعاضد در بین افراد انسانی محسوب میشود .

این پیام همان پیام مسیح است که تجدید شده و با آنکه تقریباً در لباس همان عبارات نازل گشته و با اوضاع و مقتضیات این عصر که هزار سال بلکه بیشتر باد و - حضرت مسیح فاعله و تفاوت دار و موافق و مناسب است مخالعه این کتاب لازم و برای عموم مردم مورد استفاد خواهد بود . من بشما توصیه میدم که اگر نام به الله یا عبد البها . سمعتان رسید از اشران غفلت ننمائید و رونگردانید تا کلمات صلح بین و محبت انگیزشان را در دل و جان خود چنانچه در قلب من جای گرفته جای دهید .

در این عصر کار و عمل که حیات افراد بشر را - مشغله و گرفتاری احاطه نموده شاید فرصت و فراغت برای قبول و اخذ دیانت باقی نماند و یا هر فردی شخصاً عقیده ای را که کافر و بدل پسند خویش نامروده اختیار نموده است لیکن تعالیم این د و نفس مقدس را جمیع ادیان و مذاهب عالم برانقت داشته و در عین حال مطلوب نفوس غیر متدین نیز میباشد . البته در صد تحقیق برائید تا سعادت ابدی برای خود تحصیل کنید .

چند روز پیش خانمی امریکائی (منظور میس مارتاروت است) کتابی برای من آورد که باید انرا عظیم و جلیل بدانم زیرا مندرجات ان بر محبت خالص و ایز محض و قدرت و جمال دلالت میبرد . این خانم کتاب مزبور را ازان جهت بمن عطا کرد که میدانست در دریای غم و اندوه غوطه و روئیمک و تسلیت نیازمندم در حالیکه کتاب را بمن میداد اظهار داشت " چنانکه معلوم است شما طبق تعالیم این کتاب - زندگی میکنید " چون کتاب را گشودم تعالیم حضرت عبد البها . پیامبر محبت و احسان و تعالیم پسر بزرگوارش را که معلم بزرگ حسن تفاهم و صلح عمومی است مشاهده نمودم . عبارت دیگر ان کتاب گرانمایها را متضمن دیانت عظیمی یافتیم که عقاید و مذاهب مختلفه عالم را متحد و مرتبط میسازد .

در استورات و تعالیم مندرجه در ان کتاب مفیدی صلح و مسالام است صلحی که از - دود و قیود بشری فارغ و از تعصبات و منازعات مذاهب و مسالك متنوعه پاک و مبراست . دیانتی است که بر اساس وحدت - الهی بنا شده و بنیان رفیعش بر این حقیقت مسلم استوار است که خداوند عبارت از عشق و محبت است طبق تعالیم مقدسه اش بغض و عداوت و بدگویی و خصومت و تعصبات و طنبیه کلا با اساس شریعت الهی که وحدت محضه است مغایر و مباین میباشد عقاید و رسوم مختلفه جز زائدی که زوال و اضمحلالش مسلم است چیز دیگری نیستند زیرا قلبی که بمحبت الله سرشار و بوحده الهی اشنا و دمساز باشد تفاوتی و امتیازی بین ملل و نژاد های عالم نمی بیند .

پیامی که حضرت بهاء الله و فرزندش حضرت - عبد البها . برای ما آوردند پیامی عظیم و محیر - العقول است چون این د و نفس مقدس کاملاً بایسن

وحدت عالم انسانی

بقیه از شماره قبل واضح است که در مقام انسانیت و روحانیت کلمه غیرت و اثینیت معنی و مفهوم حقیقی ندارد و در این صورت انفاق مال و اعطاء ثروت و مال از نظر روحانی که اساس مبتنی بر وحدت و یگانگی است بمنزله انفاق و بخشش است از نفس خود به نفس خود .

بدین طریق ملاحظه میشود که انفاق نعمت و مال و توزیع ثروت و غذا جزو فطرت و طبیعت مودعه بشری - محسوب و حل مسائل اقتصادی که اساسش بر عدم - تمرکز ثروت و اقدام اغنیا به انفاق و عطا است با تفقد و دستگیری از ضعفا و نگهداری و حفاظت فقرا بیش از آنچه که متصور است تحقق میپذیرد .

حل مسائل اقتصادی از نظر وحدت تشکیلات بهائی
 نظم اداری و تشکیلات بهائی کافل اعتدال
 روابط و ضوابط و ضامن ثبات و استحکام قوانین اقتصادی
 بوده و یگانگی خریطه و نقشه کامله الهی محسوب میگردد
 که کلیه مسائل اقتصادی و اجتماعی را با نهایت دقت و متانت بررسی کرده مرتفع میسازد .

ارکان این نظم بدیع الهی بر اساس وحدت و تمرکز استقرار یافته است و این اصل وحدت را میتوان در وی منحصراً بنظر هیکل علیل و هوایل اجتماع در حل مسائل اقتصادی محسوب داشت . چه که اختلافات

***** (در روش گبرنیل) *****

و تشنات و نقاط ضعف قوانین اقتصادی کلا منبعث از تشنات و تخالف هیئت های اجتماعی و سیاسی و جزئی و صغی اعم از کارگر و کارفرما بایکدیگر و اعطاک منافعی و دل مختلفه و مجالس مقننه و وضع قوانین متضاد اقتصادی بوده و بموجب بروز و ظهور مسائل بفرنج وین بست های بی سابقه اقتصادی میگردد .

امر مقدس بهائی جهت تازاله هر نوع مسائل پیچیده اقتصادی درمانی سریع التاثیر به عالم بشریت تعلیم میفرماید که جریان تکامل جبری نیز قاطبه علمای اقتصاد و اجتماع را اخیراً من غیر مستقیم متوجه این نکته دقیق و غیر قابل انکار نموده است .

از طرفی باید دانست علم اجتماعی من جمله علم اقتصاد را نمیتوان مانند سایر عیثم ثابت با یک فرض و یا طریق واحد و ثابتی استدلال نمود محل کسود و هرگز نمیتوان فورمول واحدی را پیشنهاد نمود و اوها کرد که با در نظر گرفتن و بکار بردن آن کلیه مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی حل و فیصل می یابد .

لهذا امر مقدس بهائی طرق و وسائل عدیده ای را که هر یک به تنهایی در خور بحث جداگانه و مستقل خواهد بود به عالم بشریت تعلیم میفرماید و از جمله طریق را که میتوان بمناسبت مقام بااد اورشده وحدت

شدید و تمرکز کامل تشکیلات تقنینی و اجرائی بهائی است. بدین معنی وحدت تشکیلات بین المللی بهائیت یکی از اعظم وسائل حفظ تعادل روابط اقتصادی و هماهنگی عرضه و تقاضا و توازن تولید و مصرف در کلیه نقاط جهان خواهد بود.

والبت باید بظواهر آورد که اهم مسائل معضله و مشکله اقتصادی ناشی از اختلاف میزان عرضه و تقاضا در بازارهای مختلف جهان است و وجود موانع مرزی و گمرکی و قوانین مختلفه و متضاده کشورهای که شدت اشکالات و ایجاد بن بستهای اقتصادی را در و چندان مینماید. ولی وحدت کامل تشکیلات جهانی بهائیت در این نوع موانع و روادع مرزی و گمرکی بوده و تنظیم متین و تشکیلات بی سابقه جهانی بهائیت ضامن و کافل تعادل و استقرار روابط اقتصادی بشری میباشد.

با مراجعه دقیق به شروحاتی که تاکنون در خصوص کاملیت و تکمیلیت وحدت عالم انسانی گذشته است معلوم میگردد که هدف فاعلی و مقصد انسانی اهل بهائیت تحقق و تاسیس وحدت حقیقی عالم انسانی است یعنی اعمال وحدت بقدر وسع و حرمت طبقات مختلفه در جمیع شئون زندگی حکمفرما شود اساس تعلیم و تربیت و معارف عالم بشریت بر پایه واحدی ریخته شود قبایل و ملل متباعد و جهان بلسان واحد تکلم نمایند. اصول قوانین جهان بر منبج و طریق واحدی برقرار شود ممالک متعدده عالم حکم مملکت واحدی یابد حکومت

مقتدر واحد جهانی که متشکل از نمایندگان دول و ملل مختلفه است متحقق شود روابط مهمه اقتصادی بر پایه اساس واحدی مستقر گردد پول و ارزش آن بر اعتبار و معیار واحدی در سرتاسر گیتی رایج و معمول شود یعنی در کلیه مراتب و شئون اداری و اجتماعی و علمی و فرهنگی و اقتصادی نور وحدت بتابد و اصل وحدت عالم انسانی نافذ گردد.

مسئله اختتام این تعلیم مبارک و دورنمای حقیقی هدف و محور نظم بدیع جهان برای بهائیت یعنی مظاهر وحدت عالم انسانی ترجمه لوح مبارک حضرت ولی امرالله مورخ ۱۱ مارچ ۱۹۳۶ خطاب به اعیان آمریکا است که قسمتی از آن در اینجا نقل میگردد.

"در نظر جمال قدم جل اسم اعظم وحدت نوع بشر مستلزم اتحادیه عمومی خواهد بود که در ظل آن کلیه نژادها و جمیع عقاید و طبقات پیوسته میزب و متحد بود و استقلال هر یک از ممالک عضوین و

همچنین آزادی اشخاص و ابتکار افراد تابعین آن ممالک قطعیا و کاملا تامین گردد و در حدود تصور ما این اتحادیه بایستی شامل هیئت مقننه عمومی باشد که اعضای آن چون امنای کلیه ابنای بشر در جمیع منابع ثروت ممالک تابعه نظارت نموده قوانین لازم از برای تمشیت امور حیاتی و رفع احتیاجات و تنظیم روابط جمیع ملل و اقوام وضع خواهند نمود.

"هیئت تنفیذیه عمومی مستظهر بقوای بین المللی تصمیمات متخذه در هیئت تقنینیه و قوانین موضوعه

آنرا اجرا نموده وحدت اتحاد را تأمین خواهد کرد .
 "مجمعه کبرای عمومی در هرگونه مناقشه که
 ممکن است بین عناصر مختلفه مرکبه این اتحادیه
 عمومی رخ دهد تضاوت نموده وحکم مبرم نهائی صادر
 خواهد نمود . دستگامی از برای مخابرات و ارتباط
 بین المللی عمومی اختراع خواهد شد و فارغ از موانع
 و تحدیدات ملل تمام کره ارض را فراگرفته با سرعتی
 معجزاسا و حسن ترتیب ادای وظیفه خواهد نمود .
 پایتختی بین المللی مانند مرکز اعصاب مدنیست عالم و
 کانونی خواهد بود که قوای جسمانی همه مولده وحدت
 بسوی آن متوجه و اشعه موجوده حیات و فعالیت از آن
 صادر و منتشر خواهد گردید .

"زبان بین المللی اختراع ویا از السن موجوده
 انتخاب و در مداریس جمیع ممالک متعاده و متحده
 اضافه بر زبان مادری تدریس خواهد شد . خطوط
 کتب و مطبوعاتی بین المللی همچنین واحد پول و اوزان
 و مقادیر مشترک و متحد الشکل باعث ایجاد و
 تسهیل روابط و تفاهم اقوام و ملل نوع بشر خواهد
 شد انتهای

بعینه از صفحه ۱۵۵ متن مصاحبه نمایندده

این مورد لطف بی اندازه ابراز فرمودند . نمایندده
 محترمه اراک فرمودند "متأسفم از اینکه در طهران این
 همه جوان دارای اطلاعات وجود دارند و در شهرستانها

بوجود یکنفر اشغال آنها احتیاج است و یافت نمیشود .
 نمایندده محترمه کاشان نیز ضمن بیان اشواق احساسات
 قلبیه خود از مشاهده تشکیلات جوانان طهران
 خواستند جوانان این سامان برای موفقیت و تخصص
 ازادی جوانان ولایات دعا کنند .

از نمایندده محترم تبریز راجع بتفاوتها و نیکو
 در دو سال اخیر در فعالیتهای جوانان پیدائنده
 است سؤال شد . فرمودند " بطور کلی چیززی
 گاسته نشده و مخصوصاً در قسمت تبلیغ افزایش فراوان
 یافته است ."

از چند تن از نمایندگان محترم سؤال شد
 "مایلید باز هم جلسات کا نونشن ادامه داشته
 باشد ؟" نمایندگان ساری خراسان
 طهران و اصفهان معتقد بودند کردار باید ممد
 گفتار باشد . گفتنیها بعد گفتی گفته شده و آنچه
 باقی مانده عمل بتعهدات مهمه ایست که نمایندگان
 محترم کرده اند و بنا بر این ادامه جلسات ولو برای
 یکساعت هم باشد لازم نیست .

سؤال اخریکه از نمایندگان محترم بعمل آمد
 راجع باهنگ بدیع بود که در اینجا از درج آنها خود
 داری و فقط بتشکر از حسن ظن آنان در باره مجله اکتفا
 میکنیم و امید داریم بتوانیم در سال جاری نواقص
 که نمایندگان محترم بان اشاره فرمودند برطرف کنیم .

+++++

+++++

آهنگ بدیع و خوانندگان

- گو بتوحید و بقای روح روحانیت است
 ای جواد انکس که خواهد رستگاری بشر
 راه خدمت باز و وقت کار و بذل همت است
 ۳ - آقای عزیز محسنی قطعه شعری سروده
 و ارسال داشته اند . امید وارم که از این پس نیز
 با ما همکاری نمایند .
 ۴ - آقای پرویز روحانی قطعه ای در مدح -
 محبوب سروده اند در انتظار سایر آثار ایشان
 میباشیم .
 ۵ - آقای شکرالله سلیمی از تجربش یکی از -
 اشعار جناب آقا محمد ابراهیم علاقه مند رفسنجانی
 را که در شماره ۱۱ و ۱۲ سال نهم اخبار امری در -
 تاریخ اسفندماه ۱۳۰۹ درج شده است ارسال
 داشته اند از لطف ایشان سپاسگذاریم .
 ۶ - آقای ضیاء الله موسی زاده قطعه شعری
 تحت عنوان "کرمل" با استفاده از لحن مبارک رضوان
 ۱۰۸ سروده اند از توجه ایشان بجزله سپاسگذاریم .

(هیئت تحریریه آهنگ بدیع)

- ۱ - در این ایام که اهل بهابا شاره دوی بیهمتا
 حضرت ولی امرالله ارواح العالمین له الفداء مرتباً
 و مکرراً شرکت در تیرغات مقام مقدس اعلی میفرمایند
 مناسب دیده شد قسمتی را که در صفحه ۱۴۷ این
 شماره تحت عنوان (عطفه ای از نکات مبارک) مندرج
 گردیده است تیمنا و تبرکا بنظر خوانندگان عزیز
 مجله برسانیم . بدیهی است اگر عظمت امرالله
 ملاحظه گردد هر قدمی که ما مستضعفین عباد در راه
 خدمت امر مبارکش برداریم ؛ نزلت ران ملخی بحضرت
 سلیمان بردن است . ولی چون میزان فضل عییش
 بنظر آید "قطره دریا شود و ذره آفتاب گردد" .
 ۲ - آقای هوشنگ مهاجرین قطعه شعری از
 آثار آقای جواد عرفانی که یکی از نوجوانان این
 آئین نازنین میباشند فرستاده اند که ذیلا چند
 بیت از آنرا به جهت استفاده عموم خوانندگان درج -
 مینمائیم .

کوششی کن ای بهائی روز روز نرخت است

جوششی کن جنبشوی بفرما که رحمت است

فخر باد آنرا که از اسایش فردن گذر نیست

آرزوش جستن اسایش جمعیت است

کر بپرستند از تو این تو بنیاد شرعیست